



Evaluation of the Historical Trajectory of Physical-Natural Evolution in Amol City

Narges Hamzeh¹, Morteza Lotfipour Siahkalroudi²

Received: 2023-07-13, Accepted: 2023-11-10

DIO: 10.22034/RAU.2023.2006927.1049

Abstract

Cities cannot be recognized only by their past status and not only by the current situation. Not only the city's form but also its meaning has changed over time. We cannot extend the situation of periods of eras to others. To properly understand the city, we need to examine the different layers of the city's effectual aspects in each period. One of the most principal features that give a clear image of the city's behavior to urban managers or used as urban planning guidelines for planners is a systematic recognition of the city's history and background and a clear understanding of its physical, natural, historical, social, political and economic changes. If we accept this, then providing a specific pattern and trajectory that explains the evolution of a city and the process of change is increasingly important. Amol City is located between the Alborz mountain and the Caspian Sea in northern Iran. It is invaded into the eastern and western parts by the river Haraz. The city's old fabric has been integral to its historical background and urban structure. Amol City has been considered for centuries with its historical background and its importance in terms of fabric, functional, and natural changes. This city has played a significant role as a strategic human settlement in northern Iran during several periods. Not long ago, Amol City had a cohesive structure and maintained its authenticity, with landmarks like the Bazaar, the buildings around the Haraz River, the Shahrrood Creek, the holy shrines, and more scattered throughout the city. With the construction of the first streets, the integrity of the Bazaar, residential fabrics, neighborhoods, and Shahrrood Creek, as the city's most cardinal natural axis, was disrupted. This research seeks to investigate the pattern and trajectory of Amol city as one of the most important historical cities in the north of Iran, and some historians consider it to date to the Iron Age. It is worth mentioning that this city is the first Shiite government base and there are many historical monuments in the city.

In the first stage of this research, the historical courses of Amol and its chang-

-
1. MSc Urban Restoration, Department of Architecture, Collage of Fine Arts, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: narges_hamzeh@ut.ac.ir
 2. PhD Student, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: morteza_lotfipour@yahoo.com



es during these eras are discussed, which includes the pre-Islamic periods, after Islam, the Safavid governments, the Afsharite government, the Qajar, and contemporary and recent times. Then, the current structure of the city and its districts are analyzed. Consequently, the urban development plans prepared for the city in recent years are evaluated. In the next step, the current state of the city context is analyzed. Finally, the urban plan considers the city's historical context, and its planning and design processes are carefully explained. Finally, based on the findings of the studies, the course of the historical developments of the city has been drawn based on the Bemont diagram in different periods, showing its high and low points. This research is descriptive-analytical by type, and the data is collected by studying historical documents and the writings of reliable historians. A qualitative analysis of the data has been accomplished while conducting a field survey of the historic area of the city and studying its current urban development plans. The results of the city's growth and decline and the comparison between the features of the old and new Amol are presented at the end. According to the historical documents, Amol city was the capital of Mazandaran at least from the Sassanid period to the Mongol period and was the official capital of Iran in three dynasties and during the Safavid, Alawi, Qajar, Fereydun, and Rostam dynasties, Marashi rule, and the Zandiyeh period, it experienced a good period or the golden age of Islam, and during the Ilkhanid, Seljuq, Ghaznavid, and Afshar periods, it passed through a bad period. According to the research results, apart from political factors, natural and human factors were also involved in the choice of Amol city, which distinguishes it from other cities of the province. The most important factors are of natural, defense, economic, and communicational causes. According to the information from the Bemont diagram, interventions, and urban plans in recent years have tried to keep the physical monuments of the city stable, especially during the Sassanid period, the era of the city's evolution, and during the Safavid period, which, according to historical documents, was the era of the city's prosperity, which includes the Mir Bozorg Mausoleum, and it is related to the market order. Also, considering the historical role achieved by Bemont diagram, solutions have been presented to maintain identity-performance links between historical periods of the city and its current and future development plans.

Keywords: Historical trajectory, Physical–natural evolution, Bemont diagram, Amol

تبیین شاخص‌های معماری زمینه‌گرا با استفاده از شرایط اقلیمی موجود در طراحی مسکن

تینا میرزازاده قه‌جورستانی^۱، عبدالرضا محسنی^۲، نگار نبوی طباطبایی^۳

تاریخ دریافت: ۰۶-۰۳-۱۴۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۹-۰۸-۱۴۰۲

DIO: 10.22034/RAU.2023.2001980.1044

چکیده

امروزه پژوهش‌هایی در طراحی مسکن با استفاده از معماری زمینه‌گرا و اقلیم صورت گرفته که طبق نظر اندیشمندان، زمینه‌گرایی یک مجموعه یا بنا به صورت مجزا و مجرد از بستر پیرامون خود نبوده بلکه به محیط اطراف خود وابسته است. در طراحی شهرها به‌جای ترسیم، قطعات مختلف متصل به هم به صورت تصویر تکه‌تکه است و شاهد شکل‌گیری شهرهایی با کالبد ناهمگون و بی‌هویت هستیم. ضرورت توجه به بازشناسی اصول و ارزش‌های مسکن زمینه‌گرا در شکل‌گیری و طراحی مسکن معاصر، بیشتر از زمان‌های دیگر اهمیت خود را آشکار می‌سازد. این پژوهش با بررسی نقش اقلیم در طراحی مسکن با استفاده از شاخص‌های معماری زمینه‌گرایی مورد ارزیابی قرار داده که هدف آن تبیین شاخص‌های مفهومی معماری زمینه‌گرا مسکن و همچنین انطباق آن با شاخص‌های مفهومی اقلیم در طراحی مسکن است. به این منظور، با مراجعه به متون، ابتدا معنا و الگوها در اقلیم و اصول معماری زمینه‌گرا مطرح گردیده و در این راستا نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران در زمینه‌های معماری زمینه‌گرا و اقلیم مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. فرایند تحقیق با تکنیک‌های توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده‌های مورد نیاز برای شکل‌گیری نظری موضوع با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. دستاوردهای تحقیق نشان‌دهنده آن است که در تاریخ معماری، همواره به اقلیم به‌مانند الگویی برای طراحی توجه شده است. زیبایی موجود در معماری زمینه‌گرا نوعی از زیبایی است که برای آن برنامه‌ریزی نشده و آن همچنین، نتیجه پاسخ صحیح به عملکرد است که زیبایی طبیعی را به ویژگی ذاتی و ناخودآگاه تبدیل می‌کند.

کلیدواژگان: معماری زمینه‌گرا، ابعاد زمینه‌گرایی، اقلیم، اصول طراحی مسکن.

۱. دانشجوی رشته معماری مسکن، کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس-تهران، ایران،
Email: Mirzazadeh2867@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲. استادیار رشته معماری داخلی، مؤسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس، تهران، ایران.
Email: negartabatabaei@yahoo.com

۳. استاد مدعو رشته معماری داخلی، مؤسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس، تهران، ایران.
Email: mohseniabdolreza@gmail.com



مقدمه

به تحلیل الگوهای خاص از زیست و سکونت و تغییر شیوه‌های آن پرداخته در نتیجه حضور عناصر کالبدی معماری زمینه‌گرا در محیط زندگی را به عنوان بخشی از خاطره انسان بومی، سبب ایجاد حس تعلق به فضا و آرامش او می‌داند.

روش تحقیق

مقاله حاضر سعی در شناخت مؤلفه‌های معماری زمینه‌گرا و چگونگی طراحی خلاقانه با استفاده از الگوهای طبیعت و اقلیم است. حوزه‌های اصلی در این تحقیق، شامل طراحی معماری، زیباشناسی، شاخص‌های کیفی زمینه‌گرایی و اقلیم است. روش تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت روش توصیفی است. با توجه به نوع پژوهش از حیث هدف و ماهیت برای انجام این پژوهش از راهبرد تحقیق کیفی استفاده شده است. مهم‌ترین نکته تحقیق کیفی، ظرفیت آن برای دستیابی به کیفیت‌های غنی شرایط و محیط‌های زندگی واقعی است که در روند تحقیق، از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار است. به این ترتیب روش مناسبی (برای فهم معانی و فرایند فعالیت‌ها و دست‌ساخته‌های مردم است. از آنجایی که وجوه مدنظر این پژوهش از مفاهیم اصلی، قابل اندازه‌گیری کمی نیستند، از روش توصیفی برای تعریف و روش تحلیلی برای بازاریابی آنها کنار هم بهره گرفته شد. برای شناخت ابعاد مختلف مسئله، روش‌سازی مفاهیم، بررسی نظریه‌های مرتبط با موضوع و مطالعه پژوهش‌های مشابه از مطالعات کتابخانه‌ای با برداشت مستقیم محقق استفاده شده است.

مبانی نظری

مفهوم معماری زمینه‌گرایی و نگرش‌های آن

معماری زمینه‌گرا گرایشی در معماری است که به تبیین جایگاه زمینه به عنوان بخشی مهم و تأثیرگذار بر روند شکل‌گیری معماری تأکید دارد (برولین، ۱۳۹۶). خصوصیات اطلاعاتی و لایه‌هایی از اطلاعات موجود در زمینه‌هایی به عنوان عاملی مکمل در کنار سایر موارد در پروژه معماری مدنظر بوده است که از آن به عنوان آنالیز سایت نام برده می‌شود؛ اما در این گرایش به عنوان مبنای اصلی طراحی و تعریف یک پروژه معماری قرار گرفته است. لایه‌های اطلاعاتی زمینه طبقه‌بندی شده و جداگانه و در یک بستر جامع مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد. اطلاعات زمینه با توجه به میزان قدرت و تأثیر آن‌ها در تعامل

امروزه سرعت پیشرفت تکنولوژی و اثرات آن بر ساخت‌وساز شهرها موجب تغییر در شهرها گردیده و طراحی شهری بیشتر به کولاژ می‌ماند تا ترسیم. کولاژ ترکیب تصاویر نامتشابه یا کشف شباهت‌های پنهان در اشیایی هستند که به هم شبیه نیست و انتقال مصالح از یک زمینه به زمینه دیگر و مونتاژ، پراکندن این وام‌گیری‌ها در سراسر شهر جدید است. معماری زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد. زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشته، اما به تدریج به ابعاد انسانی گراییده و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی و فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نیست، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. هر زمینه و متن شهری دارای مقیاس، حجم، فرم فضایی و مصالح و شیوه معماری و شهرسازی ویژه خود است که به طراحان حساس در خصوص نحوه مداخلات کالبدی رهنمودهای لازم را ارائه می‌کند و کنترل‌هایی را در جوامع اعمال می‌کنند. بنابراین مباحث نظری و فلسفی اغلب بر محور چگونگی و کیفیت وقوع این موضوع و نحوه سازگاری و پیوستگی میان بناهای جدید با وضعیت ساختاری موجود است.

بر این اساس، امروزه مسئله توجه به بازشناسی اصول و ارزش‌های مسکن زمینه‌گرا در شکل‌گیری و طراحی مسکن معاصر، بیش از هر زمان دیگر اهمیت خود را آشکار می‌سازد. چراکه در اکثر موارد، این خانه‌ها برگرفته از الگوهای غربی و بدون رعایت مسائل منطقه‌ای، اقلیمی، نیازهای روانی و عاطفی افراد طراحی می‌شوند و نتیجه آن، تبدیل خانه به خوابگاه و نداشتن آسایش روانی و محیطی در فضا است (Ahmadi & et al. 2013: 3-4). لذا؛ هدف از این پژوهش تبیین شاخص‌های ماندگار معماری زمینه‌گرا در ایران، در راستای ضرورت نگرش به مفاهیم و تحلیل ویژگی‌های مربوط به زمینه‌گرایی، اقلیم و طراحی که تبیین‌کننده شاخص‌های مفهومی مشترکی است، که اکنون باید برای به‌روزرسانی معماری زمینه‌گرا و طراحی بناهای بافت میانی و جدید شهری مدنظر قرار گیرند. تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری برای طراحی بناهای زمینه‌گرا در کشورهای مختلف جهان صورت پذیرفته که اکثر آنها با توجه به شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی منطقه بوده و بدین سبب به موضوع پایداری پرداخته‌اند. تعدادی

جدول ۱. معرفی روش چند دانشی (فراتحقیق)، (مأخذ: میرمقتدایی و همکاران، ۱۳۹۶).

عنوان تحقیق	پارادایم تحقیق	رویکرد تحقیق	تدابیر (فنون)	هدف کلان تحقیق
روش چنددانشی (فراتحقیق)	تفسیرگرایی کیفی	اسناد و مدارک	تحلیل تفسیری	کاربردی
			اطلاعات	اطلاعات
			روش‌های تجزیه و تحلیل	تحقیق

جدول ۲. برخی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه مطالعات معماری زمینه‌گرا.

صاحب نظران	نگرش‌ها
یرنت برولین (۱۳۹۶)	معماری زمینه‌گرا، به مقوله‌ی سبک‌های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌های مجاور - مربوط به دوره‌ها و یا سبک‌های مختلف - می‌پردازد. طی نیم قرن اخیر، موضوع توفیق در ایجاد چنین هماهنگی از توجه معماران به دور مانده است. حاصل آموزش معماران هم به جای ایجاد سازگاری بصری بین ساختمان‌ها، به ایجاد تقابل بین ساختمان‌های جدید و قدیم بوده است.
استیون هال (۱۳۹۷)	معماری مسئولیتی موشکافانه روی زمینه را دارد. زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهادات مناسب را به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه برای آن تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را هم در بر می‌گیرد. به سخن دیگر، از نظر هال، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی است. او بر این باور است که «همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید رو به رو هستیم و باید طبق شرایط موجود فرآیند طراحی را انجام دهیم».
کریستوفر الکساندر (۱۳۹۳)	هدف نهایی طراحی رسیدن به فرمی است که درست بودن آن در سازگاری با زمینه برقرار می‌شود. به عبارتی کار طراحی را تلاش برای رسیدن به سازگاری میان فرم و زمینه می‌داند.
آدریان اسمیت و گوردن گیل (۱۹۸۰)	آنها معتقد به معماری پایدار در سطح بین‌المللی هستند می‌گویند: که طراحی ساختمان باید از نقش آن در زمینه‌ای منطقه‌ای، ناحیه‌ای و جهانی ریشه بگیرد. در متن توسعه جهانی و در زمانی که همه شهرها با خدشه به (محیط) طراحی و ساخته می‌شوند این اهداف محیطی نه تنها دست یافتنی است بلکه برای بقا واجب و ضروری هستند. بی شک پرداختن صرف به زمینه‌گرایی در مقیاس خرد نمی‌تواند مشکلات زیست محیطی امور جهان را حل کند. کل هستی چون زنجیرهای به هم پیوسته هستند که هر تغییر مثنی هر چند به ظاهر کوچک و جزئی در نهایت تاثیری مثبت در این زنجیره خواهد داشت؛ لذا زمینه‌گرایی از مقیاس خرد تا جهانی، در رسیدن به پایداری اساسی و حیاتی هستند

آغاز می‌شود، سپس در سطح واحد همسایگی و محله مطرح می‌گردد. در این مرحله معماری زمینه‌گرا از معماری صرف به شهرسازی می‌رود. در مقیاس بزرگ‌تر در محیط شهر به ناحیه، بخش و به دنبال آن به مناطق اطراف شهر و برون‌شهری می‌پردازد زمینه‌گرایی به این سطح هم محدود نمی‌شود؛ از تک بنا به محله، ناحیه‌گرایی، منطقه‌گرایی و این مرحله هم می‌تواند فراتر رود و بُعدی جهانی پیدا کند. لذا زمینه‌گرایی ابعاد خود را در محدوده کره زمین می‌تواند بگستراند. در معنایی کلی می‌توان گفت که آغاز زمینه‌گرایی محله است، اما زمینه‌گرایی در دو جهت خرد و کلان بسط می‌یابد. زمینه‌گرایی در مقیاس کلان به منطقه‌گرایی می‌رسد و در مقیاس خرد به حال و هوای درونی بنا، اما وجه جهانی منطقه‌گرایی از حد منطقه فراتر رفته و

با موضوع طرح و در راستای ایجاد اثر معماری همراه با زمینه، حفظ شده و یا تغییر نموده و یا از بین می‌روند. همان‌گونه که ذکر شد، معماری زمینه‌گرا بیش از همه وامدار معنای خلق شده توسط معماری بومی است. شرایط اقلیمی و خصوصیات بستر و فناوری ساخت که به عنوان مبانی اصلی شکل‌گیری معماری بومی گفته شده است در حوزه معماری زمینه‌گرا، لایه‌های اطلاعاتی غنی و متعدد دیگری در زمینه را تحت پوشش قرار می‌دهد (محمدی و حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴).

مقیاس زمینه‌گرایی

زمینه‌گرایی در مقیاس‌ها و سطوح مختلف مطرح است. در مقیاس خرد از خود بنا، سایت و زمینی که بنا در آن واقع می‌شود



زنده و مطلوب ایجاد کند. توجه به زمینه‌گرایی کالبدی به عنوان رویکردی مبتنی بر ارتباط پدیده‌ها با محیط و مجموعه پیرامون خود، می‌تواند منجر به خوانایی فضا شده و موجبات حس مکان را فراهم آورد. معماری زمینه‌گرا محیط مطلوبی خلق می‌نماید که از مقیاس تک ساختمان فراتر رفته و نقش تعیین‌کننده‌ای در فضای شهری ایفا کند (Ahmadi & et al. 2013: 3-4). از مهم‌ترین نظریات زمینه‌گرایی کالبدی ایده کولاژ شهر^۱ است که اولین بار توسط کالین رو و فرد کوتر^۲ که از پیشگامان زمینه‌گرایی هستند، مطرح گردید. این ایده پاسخی بود به طرز تفکر نوگرایی^۳ که در آن بناهای شهر را به مثابه اشیای معماری می‌پنداشتند و آن‌ها را به‌تنهایی و با نماهای از هم متمایز و جدای از زمینه طراحی می‌کردند. به نظر آن‌ها طراحی شهری بیشتر به کولاژ می‌ماند تا ترسیم، لذا شهرسازان را تشویق می‌کنند که از همه عوامل در دسترس از جمله بافت شهری موجود بهره‌گیرند و در پی، در هم بافتن عناصر شهر در یک کل منسجم باشند. یعنی یک کولاژ شهر که قطب‌های مخالفی چون روابط فضایی گذشته و آینده را در برگیرد. به اعتقاد صاحب‌نظران کولاژ شهر، در شهر سنتی بناها زمینه هستند و فضاها، اشکال متصل‌به‌هم و الگوی در هم بافته‌ای از تناوب فضایی را نمایان می‌سازند (هاشم‌پور؛ نژادابراهیمی؛ یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

- مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های مؤثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی:
در ادامه با استناد به آرا صاحب‌نظران و منابع پژوهش، مؤلفه‌های و ریزمؤلفه‌های مؤثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی، در «جدول ۳» تدوین شده است.

- زمینه‌گرایی فرهنگی-اجتماعی: در رویکردهای فرهنگی-اجتماعی نسبت به محیط، «انسان‌ها» مورد توجه واقع می‌شوند، از این‌رو داشتن شناخت درست و صحیح از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای آنان همواره مورد توجه طراحان بوده است. چنانچه روی معنی شکل‌ها و فضاها، میان مردم اتفاق نظر لازم و کافی وجود داشته باشد، شکل شهر می‌تواند با مردم شهر ارتباط برقرار کند و تحلیل یک پدیده کالبدی، زمانی میسر است که دریا بیم در آن فرهنگ چه معنایی برای آن قائل است (تولایی، ۱۳۸۰). معماری، پدیده‌ای فرهنگی است. با وجود آن که محصول، تأثیرگذاری عوامل متعددی نظیر اقلیم، جغرافیا، اقتصاد، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ... است، اما در میان عوامل یادشده «فرهنگ»، در تعامل با ویژگی‌های، محیطی، نقشی تعیین‌کننده در نحوه شکل‌گیری محیط‌های

بُعدی جهانی می‌یابد. بدین‌سان، معماری زمینه‌گرا خود را اگرچه عمیقاً در «مکان» فرو می‌برد، اما «حضور» خود را تا دوردست‌ها تا شهرها، کشورها، تا جهان و کیهان گسترش می‌دهد (محمدی و حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۴).

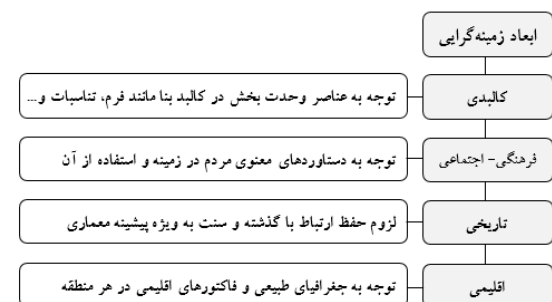
ابعاد زمینه‌گرایی

معماری علمی جدا از مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جامع‌شناسی و... نیست و در واقع برآیند و انعکاس آنها است. زمینه و متنی که اثر معماری در آن موجودیت می‌یابد واجد ویژگی‌ها و خصوصیات انحصاری کالبدی، جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و... است. زمینه در معماری تحت سه موضوع کلی؛ الگوهای فرمی، فعالیت و اقلیمی دسته‌بندی می‌شوند. ولی در ابعاد زمینه‌گرایی با چهار عنوان ۱. زمینه کالبدی؛ ۲. زمینه فرهنگی-اجتماعی؛ ۳. زمینه تاریخی؛ ۴. زمینه اقلیمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زمینه‌گرایی کالبدی

شکل یا فرم شهر وسیع‌ترین مفهوم وابسته به شهر است که شامل کلیه عناصر محیطی است که انسان به‌طور بالقوه می‌تواند در ارتباط با آن قرار گیرد. شکل شهر در حقیقت ظرفی است که امکان می‌دهد فعالیت‌های شهری در آن به وقوع بپیوندد (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۵). در زمینه‌گرایی کالبدی طراح نه‌تنها خود شی بلکه رابطه متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه لحاظ می‌کند، زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۱).

گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در «مجموعه موجود» (به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک



نمودار ۱. ابعاد زمینه‌گرایی (نظام‌دوست، خلیل‌آبادی و یاران، ۱۳۹۸: ۵)

که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان‌ها قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته او است. "پوپر" در این زمینه می‌گوید: اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه‌های پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن، به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی برای عمل است (Koetter & Rowe, 1978: 118-119). سنت‌گرایی از گذشته، سیمای شهر الهام می‌گیرد و بر این باور است که توسعه جدید باید با محیط پیرامون رابطه تنگاتنگ داشته باشد. کانون تفکر آنان متوجه محیط شهری است که برای مردم مأنوس باشد. پاتریک گدس از طرفداران اصلی این طرز تفکر بود و پیش از هرگونه فعالیت اقدام شهرسازی، مطالعاتی و بالاتر از همه تاریخ و نهادهای شهر انجام می‌داد. (Geddes, 1968: 66-68)

زمینه‌گرایان تاریخی موارد زیر را در انسجام شکل شهر در نظر دارند:

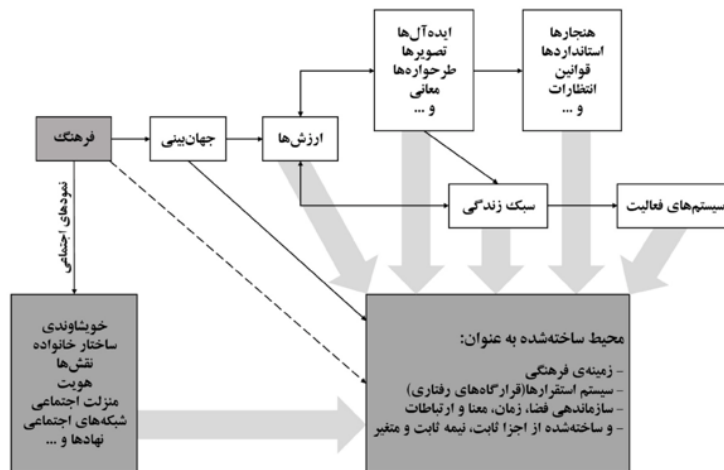
- در نظر گرفتن ویژگی‌های تاریخی مکان؛
- محترم شمردن سنت؛
- رجوع به سنت زنده برای قابلیت استفاده گذشته در حال؛
- اهمیت زمینه تاریخی شکل شهر به خاطر دنیای از قبل موجود ارزش‌ها و خاطره‌ها؛
- تأثیر "خاطره بصری" در ایجاد اتصالاتی در طول فضا و زمان؛

جدول ۳. مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های مؤثر در تبیین زمینه‌گرایی کالبدی (نظام‌دوست، خلیل‌آبادی، یاران، ۱۳۹۸: ۵)

مؤلفه‌های کالبدی		ریز مؤلفه‌های کالبدی
موقعیت بنا	جهت‌گیری بنا	دید و چشم‌انداز
	درصد توده و فضا	الگوی توده‌گذاری
	تناسب نما	ارتفاع کف تا سقف
مقیاس و اندازه	تناسبات حیاط	ابعاد فضاها
	تناسبات در و پنجره	ارتفاع قرنیزها
شکل و فرم	فرم در و پنجره	نورگیری
	خط آسمان	هندسه
	فرم ایوان	خط زمین
	فرم حیاط مرکزی	نمادهای آشنای فرهنگی
شکل بام‌ها		
	نوع مصالح	نقوش و آرایه‌ها
	رنگ مصالح	محل قرارگیری آرایه‌ها
ترکیب بندی مصالح		
	سلسله مراتب فضایی	جنبه قرارگیری فضاها
سازماندهی اجز و عناصر کالبدی	عرصه بندی فضاها	

انسان‌ساخت ایفا می‌نماید (راپاپورت، ۱۳۹۲). بنابراین، فرهنگ، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری معماری است و نقش مهمی در پایداری اجتماعی دارد (پوردیهیمی، ۱۳۹۰).

زمینه‌گرایی تاریخی: تاریخ‌گرایان معتقدند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده فرض نموده است. انسان در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی این است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز گردد. چندین هزار سال است



نمودار ۲. ارتباط نمودهای فرهنگ با محیط ساخته شده (Rapoport, 2005)



- استفاده از روش گونه‌شناسی برای حفظ این خاطره بصری؛
- تکرار ترکیب‌بندی فضایی در شهر و در گستره زمان از طریق گونه‌شناسی؛
- وجود گونه‌ها به عنوان عنصری فرهنگی و جزئی کالبدی، از شکل شهر در "خاطره جمعی".

- زمینه‌گرایی اقلیمی: طراحی اقلیمی که به نام «زیست اقلیمی ساختمان» هم نامیده می‌شود؛ شامل یک سری اصول علمی و کاربردی است که در نظر گرفتن این اصول در طراحی بناها توسط طراحان و معماران، می‌تواند موجب طراحی فضاهای بهینه از نظر آسایش انسان و صرفه‌جویی در مصرف انرژی شود (کسمایی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). طراحی اقلیمی موجب می‌شود که ساختمان شرایط رفاهی و آسایش بهتری داشته باشد و به‌جای این که به سیستم‌های گرمایش و سرمایش فشار زیادی تحمیل شود؛ خود ساختمان بدون سروصدا و بدون نیاز به آن سیستم‌ها و بی‌آنکه حداکثر فشار به دستگاه‌های مولد مرکزی وارد شود؛ شرایط مطلوب را فراهم کند (محرابی، ۱۳۹۴).

حفظ منابع طبیعی و احترام به آن‌ها، تنظیم شرایط محیطی با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و مصرف حداقل انرژی فسیلی و هم‌زیستی با شرایط طبیعی و اقلیمی به عنوان یکی از الگوهای پایداری در معماری و گامی در جهت رسیدن به معماری پایدار و درنهایت توسعه پایداری است. توجه به اقلیم زمینه و فاکتورهای اقلیمی که در آن معماری می‌کنیم می‌تواند سکوی پرشی برای پرواز به سوی معماری پایدار باشد. دقت به این مهم راه را برای استفاده از نیروهای طبیعی نظیر خورشید، باد، آب و... باز می‌کند و استفاده از منابع فسیلی را به حداقل می‌رساند. چنان‌که در گذشته عناصر تأسیساتی نظیر بادگیرها، آسیاب‌بادی‌ها (آس‌بادها)، شوادون‌ها، کلاه‌فرنگی‌ها، گودال باغچه‌ها، سرداب‌ها و... به مدد شناخت اقلیمی زمینه معماری و ظرفیت‌های زیست‌محیطی پدید آمده‌اند. لذا توجه به فاکتورهای اقلیمی منطقه نظیر خصوصیات اقلیمی هر منطقه، باد، باران، تغییرات دمای هوا در شب و روز، دمای هوا، جریان هوا، وضعیت آسمان، آفتاب تابش و... امری ضروری است (محمدی، حسینی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۰)

- اقلیم در معماری زمینه‌گرا: زمینه را معمولاً در مقیاس‌های متفاوت با توجه به وسعت و حجم و میزان پوشش‌دهی بنای معماری به افراد یک حوزه تعریف می‌نمایند. مثلاً زمین‌های که بنایی همچون یک بیمارستان در آن واقع شده است با زمین‌های که بنایی مانند کودکستان در آن واقع است با یکدیگر تفاوت می‌نمایند، گرچه شاید هر دو در یک سایت واقع شده باشند. زمینه را می‌توان شامل توپوگرافی محل، وضعیت پوشش گیاهی، بافت شهری شامل میزبان تراکم بناها، خیابان‌ها و پیاده‌روها و نسبت آنها با یکدیگر، جنس مصالح، ترکیب‌بندی مصالح، هم‌جواری بناها با یکدیگر، جغرافیای منطقه، میزان ترافیک شهری، حضور حیوانات و موجودات زیستی دیگر، میزان جمعیت انسانی و غیره دانست. ممکن است تصور نماییم که زمینه را اقلیم منطقه و یا خرده اقلیم‌ها تعریف می‌نمایند، مثلاً عنوان کنیم که بنایی که باید در اقلیم گرم و خشک واقع شود بایستی متفاوت از بنایی باشد که در اقلیم معتدل و مرطوب طراحی می‌شود. ممکن است رنگ و جنس مصالح را تعریف‌کننده زمینه بدانیم که بازهم در اقلیم‌های مختلف با هم متفاوت است. توانایی معماری زمینه‌گرا در برآورده نمودن نیازهای انسانی در ابعاد گوناگون می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در بررسی معماری زمینه‌گرا باشد. با این تعاریف از معماری زمینه‌گرا می‌توان گفت که آن، بیشتر متوجه مشخصات فیزیکی یک منطقه هستند. ویژگی‌هایی چون توپوگرافی، خط آسمان، مصالح، رنگ و بافت و... (Matlak, 2000).

مفهوم مسکن و نگرش‌های آن

در تعریف مرکز آمار ایران «واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد». در میان فضاهای معماری، مسکن اولین نیازی بود که در ذهن انسان جای گرفت. در دومین اجلاس اسکان بشر ۱۹۹۶ در استامبول، مسکن مناسب چنین تعریف شده است «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیتی مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب زیرساخت‌های اولیه مناسب (از قبیل آبرسانی، بهداشت، آموزش و...) کیفیت مناسب زیست‌محیطی، مکان

جدول ۴. مقایسه بین آرا و عقاید دیگر دانشمندان در مورد سکونت و مفهوم آن
(امین پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳)

صاحب نظران	نگرش ها
مفهوم سکونت از دیدگاه صاحب نظران	رپاپورت مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه تهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می شود و ساخت آن خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن ، متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.
	هایدگر سکنی گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه‌ی آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشت خویش حفظ می کند.
	گیفورد خانه ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظار فضایی آنها، نشان دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنان است.
	شولتز خانه یکی از عینی ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به صورت مرکزی برای وجود بشر در می آید.
	کوپر خله یازتایی است از اینکه انسان خود را چگونه می بیند؛ کوپرخله را همچون نمادی از خود می داند.

می‌رساند و طراحی می‌کند که بستر معماری به او داده است؛ در نتیجه بنا جزئی کوچک از طبیعت پیرامونی خواهد بود . در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی، اقلیمی و شرایط خاص آن محل و ساختمان، طراحی و اجرا می‌شود و ساختمان عضو همخوان با محیط‌شناسی و عنصری هماهنگ در بستر خود و در نهایت در بستر محیط‌زیست خواهد بود.

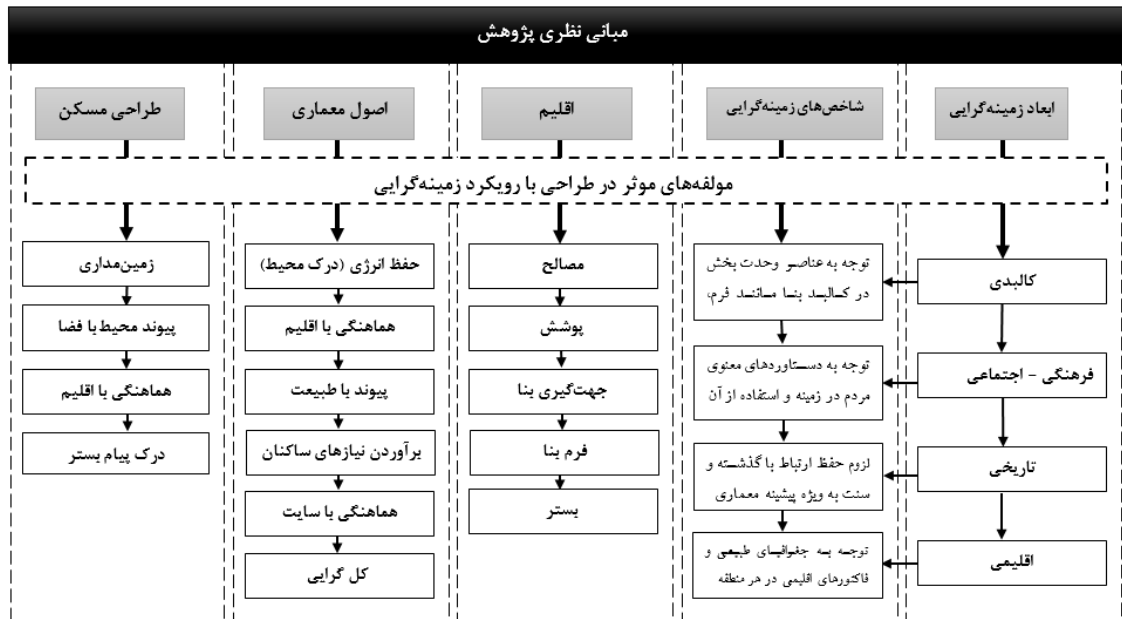
تحلیل یافته‌ها

هر اثر معماری در سایتی مشخص، با ویژگی‌هایی خاص آن بستر، ایجاد می‌شود. امکانات ویژه موجود بر زمین و یا به کلامی دیگر مشخصات بستر طرح اثر زیادی در برنامه‌ریزی‌ها و گزینش‌های معمار و هم‌چنین بر چگونگی طرح ارائه شده را دارد. پیروی از این رویه می‌تواند پیوند خوبی بین طراحی و بستر طرح به وجود آورد و این دو می‌توانند با سازگاری در کنار هم ماندگار شوند. اطلاعات بستر طرح شامل دو نوع متفاوت است. نوع نخست، تسهیلات کارآمد و سودمند سایت را شامل می‌شود که معقول است به‌درستی از آنها استفاده شده و با نظارت در پروژه، مورد بهره‌برداری قرار گیرند. نوع دوم موضوعاتی را می‌پوشاند که در ردیف نقاط منفی و ضعیف زمین محسوب می‌شود و ضروری است که با پیش‌بینی راه‌حل‌های معقول و نوآورانه معماری، تأثیرات نامطلوب آنها را بی‌اثر نمود و یا تا حد

مناسب و قابل دسترسی که همه این موارد با توجه به استطاعت مردم تأمین می‌شود» (جوادی، قدوسی‌فر، ۱۳۹۶).
تعدادی از مفهوم موجود پیرامون مسکن و سکونت در «جدول ۴» بیان شده است.

– **طراحی مسکن:** طراحی مسکن؛ بستگی بسیار زیادی به نوع طراحی انجام گرفته توسط معماران دارد. در مطالعات محیطی تأیید شده که طراحان به هنگام اندیشیدن درباره برنامه ساختمان‌ها، در طول فرآیند طراحی به‌شدت به گونه‌ها متکی‌اند. بر اساس نیازهای ضروری پژوهش و پیشینه شکل‌گیری الگوهای مسکونی در کشورهای مختلف گونه‌شناسی‌های مختلفی از محیط‌های مسکونی از مقیاس مجموعه تا بلوک صورت گرفته است. گونه‌های مختلف مجموعه‌های مسکونی را بر اساس هم‌نشینی فضای باز و بسته به چهار گونه محیطی، خطی، منفرد و ترکیبی دسته‌بندی می‌کنند. طبق مطالعات انجام‌گرفته حالت‌های مختلف قرارگیری بلوک‌ها در مجتمع‌های مسکونی تأثیر بسیار زیادی بر آسایش ساکنان و بهینه‌سازی انرژی در فضاهای مجتمع‌های مسکونی دارد. (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۸)

– **ضرورت طراحی بنا با رویکرد معماری زمینه‌گرا:** معماری زمینه‌گرا بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می‌گیرد و در واقع پیامی را به عینیت



نمودار ۲. مؤلفه‌های مؤثر معماری زمینه‌گرا و اقلیم در طراحی مسکن.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی‌هایی که انجام گرفت، معماری را مسئولیتی موشکافانه روی زمینه می‌داند. زیرا زمینه می‌تواند مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های مناسب را به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری فراهم آورد. زمینه برای آن تنها بستر ساختمانی نیست، بلکه مفاهیم طراحی را هم در برمی‌گیرد. به سخن دیگر، زمینه یک منبع اساسی برای طراحی است و همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید روبه‌رو هستیم و باید طبق شرایط موجود فرآیند طراحی را انجام دهیم.

معماری زمینه‌گرا، به مقوله سبک‌های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌های مجاور - مربوط به دوره‌ها و یا سبک‌های مختلف - می‌پردازد. طی نیم‌قرن اخیر، موضوع توفیق در ایجاد چنین هماهنگی از توجه معماران به دور مانده است. حاصل آموزش معماری هم به‌جای ایجاد سازگاری بصری بین ساختمان‌ها، به ایجاد تقابل بین ساختمان‌های جدید و قدیم بوده است بر این اساس، امروزه برای معماران و برنامه ریزان که هنوز در کنار سبک زندگی مدرن، عناصری از سبک زندگی سنتی و بومی را تجربه می‌کنند، توجه به زیبایی‌ها و نکات مهم و با ارزش زندگی گذشتگان و حفظ آن‌ها برای رسیدن به یک

ممکن به نازل‌ترین مرتبه پایین آورد.

مشخصات بستر طرح که دارای وجوه مختلفی است از جنبه‌های کوچک و ابتدایی نظیر ابعاد، اندازه، فرم زمین، و مواردی کلی‌تر نظیر چگونگی همسایگان اطراف زمین، نوع بافت و شبکه ارتباطی پیرامون آن تا شرایطی در مقیاس کلان‌تر نظیر اطلاعات اقلیمی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر محل، همگی در این مقوله جای می‌گیرند. هر یک از این مشخصات در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سطحی خاص و جنبه‌ای به‌خصوص در طراحی فضای مورد تأثیرگذار است و در ظهور فکر و ایده‌های سازگار و جوابگو با آن شرایط دخیل است. به منظور روشن شدن هر چه بیشتر و نظم بخشیدن به این امر توضیحات از جزء به کل و در قالب ترتیب عناوین زیر ارائه می‌گردند.

- **شناخت اقلیم:** مشخصات اقلیمی، موقعیت، عوامل اقلیمی و...

- **شناخت سایت:** شکل و ابعاد، عناصر طبیعی و مصنوعی موجود، بررسی محیط طبیعی و فیزیکی اطراف بستر و...

- ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی پیرامون بستر.

تحلیل الگوهای خاص از زیست و سکونت و تغییر شیوه‌های آن پرداخته و حضور عناصر کالبدی معماری سنتی در محیط زندگی را به عنوان بخشی از خاطره انسان بومی، سبب ایجاد حس تعلق به فضا و آرامش او می‌دانند. در نتیجه هدف نهایی طراحی رسیدن به فرمی است که درست بودن آن در سازگاری با زمینه برقرار شود. به عبارتی کار طراحی تلاشی برای رسیدن به سازگاری میان فرم و زمینه است. لذا در این تحقیق، ضمن توجه به نیازمندی‌های رفاهی انسان معاصر سعی شده تا شاخص‌های معماری زمینه‌گرایی و توجه به شرایط اقلیم به کار گرفته شده است.

زندگی بهتر و سالم‌تر در آینده بسیار ضروری است. لذا، معماری بومی که زیرمجموعه‌ای از معماری زمینه‌گرا است با آنکه در طول تاریخ دستخوش پدیده‌های دگرگون‌کننده بوده ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کرده و نمایانگر آداب و رسوم مردم باشد؛ اما، با توجه به اینکه طراحی زمینه‌گرا برای هر منطقه بسته به اقلیم، فرهنگ و عوامل دیگر، متفاوت است تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری برای طراحی بناهای زمینه‌گرا در کشورهای مختلف جهان صورت پذیرفته که اکثر آنها با توجه به شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی منطقه بوده و بدین سبب به موضوع پایداری پرداخته‌اند. تعدادی به

پی‌نوشت‌ها

1. Collage City

۴. شوادن یا شوادان در معماری جنوب غرب ایران به‌خصوص ذرفول و شوشتر به علت شرایط آب و هوایی گرم و مرطوب؛ معماران، فضایی سردابی در زیرزمین در نظر می‌گیرند، ضخامت دیوار و مصالح خشت و آجر در قالب عایق حرارتی و از همه مهمتر وجود حفره‌هایی در دیوار و سقف تعبیه می‌شود برای عدم انتقال هوای گرم به داخل است.

۵. کلاه فرنگی‌ها در واقع ردیای معماران دوران زندگی و قاجار در ایران به‌ویژه استان فارس است؛ ساختمان‌های تزئینی شاهانه‌ای که معمولاً وسط باغ‌ها ساخته می‌شدند و معماری آنها

3. Modernism

نیمی ایرانی، نیمی اروپایی بود.

فهرست منابع

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۲)، *سرشت نظم*. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران، انتشارات پرهام نقش.
برولین، برنت (۱۳۹۶). *معماری زمینه‌گرا*. سازگاری ساختمان جدید با قدیم، ترجمه: راضیه رضازاده، اصفهان، نشر خاک.
تولایی، نوین (۱۳۸۰). *زمینه‌گرایی در شهرسازی*. نشریه هنرهای زیبا، ش. ۱۰ (۳۴-۴۳).
خستو، مریم؛ فرح، حبیب (۱۳۹۵). *رویکرد تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید بر بافت شهری (مطالعه موردی: شهر قزوین)*. نشریه علمی- پژوهشی *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ش. ۲۶ (۳۱-۴۳).
خیبری، امید؛ محمدی، فرشاد؛ رستمی، ندا (۱۳۹۴). *بررسی الگوهای طراحی معماری سبز با رویکرد تعاملات بین معماری و طبیعت*. *اولین کنفرانس معماری و شهرسازی ایران موسسه علوم و فناوری خوارزمی*.
خلیلیان، شاهین؛ البرزی، فریبا؛ سهیلی، جمالالدین (۱۳۹۸). *تاثیر فضاهای باز و سرپوشیده مجتمع‌های مسکونی بر مولفه آسایش حرارتی کیفیت محیط با رویکرد منطبق فازی (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی کلانشهر تهران)*. *نشریه برنامه‌ریزی شهری، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*. ش. ۱۰ (۳۶). (۱۲۹-۱۴۲).
جوادی، صدق؛ قدوسیفر، سید هادی (۱۳۹۶). *اصول طراحی مسکن پایدار*. *کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر*.
شولتز، کریستیان نورنبرگ (۱۳۹۲). *مفهوم سکونت*. ترجمه محمود امیر یاراحمدی، چاپ پنجم، تهران: آگاه.
کسمایی، مرتضی (۱۳۹۲). *اقلیم و معماری*. ویراستار: محمد

احمدینژاد، اصفهان: انتشارات خاک.
محرابی، نجمه (۱۳۹۴). *معماری زمینه‌گرا از منظر اقلیم و بوم‌گرایی در طراحی اقامتگاه گردشگری در کرمان*. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی*.
محمدی، رضا؛ حسینی فیروزآبادی، سید بابک (۱۳۹۵). *زمینه‌گرایی در خلق معماری، پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی*.
میرمقتدایی، مهتا؛ گنجیزاده، نازنین؛ حسین‌آبادی، سمانه؛ راهب، غزال (۱۳۹۶). *راهنمای انتخاب روش تحقیق در پژوهش‌های معماری و طراحی شهری*. تهران: نشر مرکز تحقیقاتی راه، مسکن و شهرسازی.
نظام‌دوست، سیدامیررضا؛ کلانتری خلیلاباد، حسین؛ یاران، علی (۱۳۹۸). *تبیین الگوی کالبدی مسکن معاصر مبتنی بر معماری زمینه‌گرا در شهر کاشان مطالعه موردی: خانه‌های تاریخی منتخب دوره قاجار*. *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. ش. ۳۸ (۵-۱۹).
هاشمپور، پرینا؛ نژادابراهیمی، احد؛ یزدانی، ثنا (۱۳۹۷). *کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی*. *دوفصلنامه معماری و شهر پایدار*. ش. ۱ (۱۰۵-۱۲۶).
هال، استیون؛ گومز آلبرتو پرز و یوهانی پالاسما، (۱۳۹۶). *پرسش‌های ادرارک: پدیدارشناسی معماری*. ترجمه علی اکبری و محمدامین شریفیان، چاپ دوم، تهران: پرهام نقش.



Addington, D. Michelle; schodek, Danial L. (2005). "Smart Materials and Technologies for the Architecture and Design Professions," Architectural Press/Elsevier: Oxford.

Adrian Smith, Gordon Gill Architecture, Riba OAA LEED AP, 1980, 111W Monroe, suite 2300, Chicago, IL 60603.

Ahmadi, V., Pilevaran, A., & Talebi, F. (2013), Residential House Designing Conformity with Climate and Local Architecture. Architecture National Conference and Urban and Sustainable Development with Focus of Local Architecture Until Sustainable City, Mashhad, p. 3-4.

Alexander, Cristopher (2010), The Timeless Way of Building. Translated by Mehrdad Ghayyumi Bidhendi. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.

Geddes, p (1968), Cites in Evolution: an Introduction to the Town Planning Movement and to the Study of Cities. London: Emesst Benn Limited.

Heidegger, Martin (1971), Poetry, Language, Thought, translated by Albert Hofstadter, Harper Colophon Books, New York, Pp.150-151.

Rapoport, Amos, (2005), Culture, Architecture, and Design, Chicago: Locke science publishing company.

Koetter, Fred, & Rowe, Colin (1978), Collage City, The MIT Press.

Matlak, J.L. 2000. Designing of Environment and Landscape, Translated by Assistance of Education and Investigation of Organization of Parks and Green Space of Tehran Town, Publications of Organization of Parks and Greenspace of Tehran Town.

Norberg-Schulz, C. (1992). Genius loci. Paesaggio, ambiente, architettura. Documenti di Architettura. Milan, Italy: Electa.